

در راهروی دادگاه خانواده

درخواست جدایی برای آجیل

صدیقی- خجالت آور است که به کسی بگویم همسرم پام را به خاطر نه گفتن به خرید آجیل شب عید به دادگاه خانواده باز کرده است. او خیلی چشم و هم چشمی می کند و به محض این که موضوع یا خریدی از سوی یکی از افراد فامیل می ببند نق زدن هایش شروع می شود و تا به خواسته اش نرسد ول کن ماجرا نمی شود. مرد جوان که از گفتن علت آمدنش به دادگاه خانواده خجالت می کشد درباره زندگی مه گرفته اش می گوید: همسرم در یک خانواده پر جمعیت بزرگ شده و چون به خیلی از آرزوهایش در خانواده اش نرسیده بود می خواست در زندگی مشترک مان با هر شرایطی به خواسته ها و آملش برسد.

هر چند وقت یک بار به وسایل خانه گیر می داد که چون همسایه یا یکی از آشنایان فلان وسیله زندگی اش را تغییر داده است باید ما هم این کار را انجام دهیم و با کوچک ترین مخالفتی جنجال به پا و تا مدتی با من قهر و اوضاع را به کام خودش و من و فرزندانش تلخ می کرد. این رفتارهای پچگانه و چشم و هم چشمی های همسرم ادامه داشت تا این که خرید شب عید از راه رسید و با وجود این که با خرید لباس مشکلی نداشتم اما به شدت با خرید آجیل گران قیمت مخالف بودم، برای همین من و اکثر افراد فامیل تصمیم گرفتیم آجیل و تنقلات نخیریم. با این که همسرم در این باره سکوت کرد و چیزی نگفت اما موقع تحویل سال پایش را در یک کفش کرد که باید آجیل، آن هم از نوع گرانرش، بخیرم تا او زمان پذیرایی، فامیل را غافلگیر کند اما من این بار سرسختانه جلوش ایستادم. به خاطر این اتفاق قهر و بی محلی های همسرم شروع شد و ایام تعطیلات را به ما زهر کرد. به هر حال با هر شرایطی بود تعطیلات نوروز تمام شد و اصلاً فکرش را هم نمی کردم که همسرم بابت نخیردن آجیل این قدر ناراحت شود که بخواهد پای مرا به دادگاه خانواده باز کند تا به نوعی از من زهر چشم بگیرد. زمانی که با من تماس گرفتند تا برای ارائه توضیحات علت درخواست طلاق همسرم به دادگاه خانواده بروم از شدت تعجب میخکوب شدم.

با عجله به محل رسیدگی به دادخواست همسرم رفتم و آن جا بود که متوجه اصل داستان شدم. حتی مشاور دادگاه خانواده بابت این کار همسرم شوکه شده بود و این ماجرا را برای جدایی نوعی طنز و بی معنا می دانست. همسرم علت درخواست جدایی از من را به نوعی کارت زرد دادن به من بیان کرد و گفت باید تعهد بدهم از این به بعد خلاف درخواست او عمل نکنم و اگر بار دیگر به درخواستش جواب رد بدهم با کارت قرمز مواجه خواهم شد و درخواست مهریه می کند و طلاق خواهد گرفت و شوخی هم ندارد.

خبر

سرقت از یک ساختمان در پی رانش زمین

سارقان در روستای گلی در بجنورد از رانش زمین سوء استفاده کردند و اموال ساختمان تخریب شده را به سرقت بردند و زخمی بر درهای صاحب ملک افزودند. مال باخته مدعی شد که سارقان اعضای یک خانواده در محل حادثه هستند. او گفت: اهل روستای حادثه دیده نیستم اما در آن جا یک ساختمان بوم گردی برای جذب گردشگر بنا کردم تا به توسعه گردشگری و اقتصاد روستا کمک کنم. زمانی که در تعطیلات نوروزی به سر می بردم رانش زمین در روستا اتفاق افتاد و ساختمان من تخریب شد. هنگام تخریب ساختمان در محل نبودم و از ماجرا بی خبر بودم که سارقان از این موقعیت استفاده کردند و به اموال خانه و حتی به در و پنجره ساختمان هم تخریب کردند و به من خسارت چند میلیون تومانی زدند. زمانی که متوجه تخریب ساختمان و سرقت اموال شدم اهالی روستا سارقان را به من معرفی کردند و من هم از آن ها شکایت کردم ولی تا الان دستگیر نشده اند و به اموال نرسیده ام.

ماجرای ۹ سال در به دری

فرار به سوی تاریکی

صدیقی

به گفته خودش بزرگ ترین اشتباهش دروغ گفتن به قانون بود. در اثر بی تجربگی و ناپختگی پچگانه اش از خانه و کاشانه خود به سوی تاریکی قرار کرد و سرنوشت سیاهی را برای خودش رقم زد. دختر جوان که مدام چشمانش با گفتن خاطرات تلخ گذشته اش بارانی می شود درباره زندگی و جوانی تار و مار شده اش می گوید: کلاس پنجم ابتدایی بودم که به خاطر پرستاری از خواهر و برادر کوچک ترم خانواده ام مرا وادار به ترک تحصیل کردند.

پدرم اهل دود بود و دودمان مان را به باد داد. ۱۱ سال بیشتر نداشتم که روزی از سوی یکی از بستگان نزدیک مورد آزار و اذیت قرار گرفتم و همین ماجرا به آینده و حیثیت ام لطمه زد.

جرت نداشتم این اتفاق ترسناک را نزد کسی بازگو کنم برای همین مدام با خودم کلنجار می رفتم و به نوعی عذاب وجدان گرفته بودم تا این که تصمیم گرفتم از خانه فرار کنم زیرا وحشت داشتم خانواده ام از این جریان بویی ببرند و به شدت با من برخورد کنند. شب از نیمه گذشته بود که بدون وسایل خاصی از خانه فرار کردم و به یک پارک رفتم.

هنوز مدتی از فرارم نگذشته بود که توسط ماموران دستگیر شدم. بزرگ ترین اشتباهم این بود که به دروغ به ماموران گفتم غریبه هستم و فامیلی ندارم. آن ها مرا به یک خوابگاه تحویل دادند. اصلاً با فضای

خوابگاه نمی توانستم کنار بیایم و دچار مشکلات روحی و روانی شدم تا این که تصمیم گرفتم خودکشی کنم اما با کمک هم خوابگاهی هایم نجات یافتم. چند ماه از سکونت در خوابگاه نگذشته بود که همه ماجرا و دلیل فرارم از خانه را برای مددکارم تعریف کردم.

بالافاصله خانواده ام در جریان قرار گرفتند و روی سرم خراب شدند. وقتی پا در خانه گذاشتم گویی در جهنم بودم. از طرف پدر، مادر و دایی هایم مورد حمله و کتک قرار می گرفتم. آن ها اصلاً به اصل ماجرا که چرا فرار کردم کاری نداشتند و مدام در گیر حاشیه بودند.

وقتی دیدم که یک روز خوش ندارم دوباره شبانه با برداشتن مقداری پول از کیف مادرم از خانه فرار کردم و به یک شهر دیگر رفتم. در آن جا با پسری آشنا شدم و سه ساله هستم. در این مدت با پسر غریبه، تفریحی حشیش و سیگاری مصرف می کردم تا این که روزی حالم بد شد و راهی بیمارستان شدم.

آن جا بود که متوجه بارداری ناخواسته ام شدم. به دلیل بیماری که به آن دچار شده بودم چنین سقط شد و از طریق بیمارستان خانواده ام در جریان قرار گرفتند. قبل از این که اعضای خانواده ام از راه برسند با تیپ پسرانه از بیمارستان فرار کردم و با همان حال راهی خانه مادرم شدم. آن جا بود که متوجه شدم مادرم به خاطر اعتیاد

پدرم از او جدا شده است و با خاله ام زندگی می کند. بعد از مدتی جای بخیه هایم غفونت کرد و مجبور شدم در بیمارستان بستری شوم اما این بار چون هزینه درمان بیمارستان را نداشتم با مشورت مادرم دوباره از آن جا فرار کردم. بعد از بازگشت به خانه به خاطر دخالت های خاله ام که چشم دیدن مرا نداشت مجبور شدم دوباره از خانه فرار کنم. بعد از این اتفاق با یک پسر غریبه دیگر آشنا شدم و مدتی هم با تیپ پسرانه با او در ارتباط بودم تا این که روزی در پارک لو رفتم و دستگیر شدم. به جرم داشتن رابطه نامشروع، فراری بودن و تیپ پسرانه راهی زندان شدم. اسم واقعی ام را نگفته بودم تا این که بعد از گذشت چند ماه، زمانی که مادرم برای ملاقاتم به زندان آمد همه چیز لو رفت.

در زمان آزادی از زندان ۱۵ سال داشتم و به خوابگاه یک نهاد دولتی رفتم و با کمک آن ها یک کار پیدا کردم. در محل کار با چند موتورسوار آشنا و دوست شدم و دوباره از خوابگاه فرار کردم اما خیلی زود به خاطر داشتن رابطه نامشروع دستگیر شدم و دوباره سر از زندان درآوردم. بعد از آزادی از زندان ۱۷ بهار از عمرم گذشته بود.

نزد مادرم رفتم اما او مرا به خانه راه نداد و سر این اتفاق در پارک با یک دختر آشنا و دوست شدم و مدتی پیش خانواده او زندگی کردم. سر این آشنایی با برادر دوستم ازدواج کردم اما بعد از مدتی همسرم با برادرهایم اختلاف پیدا کرد و رفته رفته همین موضوع باعث شد زندگی ام از هم بشکند و بعد از چند ماه در حالی که از شوهرم صاحب یک دختر شده بودم با او خداحافظی کردم. فرزند اولم را به مادرم سپردم. دوباره بعد از مدتی با فرد دیگری ازدواج کردم. خانواده شوهر دومم با ازدواج ما موافق نبودند برای همین با دخالت های شان توانستند طلاقم را از شوهرم بگیرند. تازه صاحب فرزند شده بودم که ناخواسته از شوهرم جدا شدم.

تنها و بی یاری شدم تا این که با یک پسر دیگر آشنا شدم و با او مدتی زیر یک سقف زندگی کردم. چون او شیشه مصرف می کرد من هم وارد پاتاق مصرف مواد صنعتی شدم و مدام در توهم بودم و خیال می کردم همه دنبال من هستند. یک جا آرام و قرار نداشتم. دیگر آبرو، جوانی، خانواده و حتی حیثیتی برایم باقی نمانده بود، برای همین مجازات ام پس از ۹ سال در به دری مرا به کمپ آوردند تا یک بار برای همیشه از هر چه سیاهی و پلیدی است دست بکشم و مثل دوران کودکی ام پاک شوم.

با هدف کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از حبس انجام شد؛

اجرای طرح مراقبت های الکترونیکی در زندان ها

مراقبت های الکترونیکی که در دادسرای عمومی و انقلاب بجنورد با حضور محمدی، مدیرکل زندان های استان، مسلم محمد یاران، دادستان مرکز استان، معاون آمار و فناوری اطلاعات دادگستری کل استان و روسای ادارات ستادی برگزار شد این ابلاغیه وارد فاز اجرایی شد. مدیرکل زندان های خراسان شمالی در این نشست اجرای طرح مراقبت های الکترونیکی

را در راستای تکریم شخصیت انسانی مددجویان و جلوگیری از وارد شدن آسیب های روحی، روانی و اجتماعی به فرد زندانی و خانواده وی دانست و افزود: توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد زندان های هوشمند از مهم ترین اولویت های سازمان زندان هااست.

«محمدی» تصریح کرد: بهره گیری از فناوری های جدید و هوشمندسازی زندان ها افزون بر این که در کاهش جمعیت کیفری موثر است می تواند عامل مهمی در کاهش و پیشگیری از بروز آسیب های اجتماعی ناشی از حبس در بین مددجویان و خانواده های آنان باشد. دادستان عمومی و انقلاب بجنورد نیز ضمن استقبال از اجرای این طرح در زندان های استان، با اشاره به

این که مراقبت تحت سامانه های الکترونیکی یکی از قوانین مطرح در آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ است، اظهار کرد: افرادی که مجازات آن ها در ردیف مجازات های درجه ۵ تا ۷ قرار می گیرد در صورت رضایت و تشخیص مقام قضایی می توانند از این سامانه استفاده کنند. «محمد یاران» فعالیت های گسترده اصلاحی و تربیتی در زندان ها را مورد توجه قرار داد و خاطر نشان کرد: هدف از اجرای این برنامه ها بازاجتماعی کردن زندانیان است و تلاش می کنیم با استفاده از فناوری های نوین که همزمان حفظ کرامت انسانی و اعمال مجازات را ممکن می کند زمینه ورود عزتمندانه مددجویان به چرخه اشتغال و جامعه را فراهم کنیم.

آگهی مزایده

آگهی مزایده اتومبیل (سند ذمه) برابر درخواست خانم مریم اسماعیل زاده به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۳۱۰/۱۵۲۰۰۰۷۱۵۲۰۰۴۰۷۱۳۹۷۰ و شماره بایگانی ۴۱۴/۰۷۰۰۹۷۰ یک دستگاه خودرو پژو پارس به شماره انتظامی (ایران ۲۶-۸۸۸۶ل۳۷) متعلق به آقای ابوالحسن قربانیان کیکانلو فرزند بهادر به ش.ش ۸۸۶ و شماره ملی ۰۸۱/۳۰۸۷۳۰۴۹۸۵۲۴ مدیون پرونده اجرائی کلاسه فوق که به استناد سند ازدواج شماره ۲۲۴۸۷۸-۲۲/۱۵/۰۷/۱۳۹۷/ تنظیمی در دفترخانه ازدواج یک آشخانه بازداشت گردیده است. طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ سیصد و چهل و سه میلیارد ریال برآورد شده و نظریه ارزیابی قطعی گردیده است و از ساعت ۹ الی ۱۲ روز یکشنبه مورخه ۲۲/۰۲/۱۳۹۸ در محل شعبه اجرای ثبت اسناد و املاک آشخانه واقع در آشخانه شهید بهشتی ۴ از طریق مزایده به فروش می رسد، خریداران میتوانند در وقت مقرر در محل برگزاری مزایده حاضر شده و در جلسه شرکت نمایند، مزایده فقط در یک نوبت برگزار می گردد و از مبلغ سیصد و چهل و سه میلیارد ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریدار نقداً فروخته می شود و مطابق ماده ۱۳۶- آئین نامه اجراء کل مبلغ نقداً دریافت می گردد و چنانچه زائد بر مبلغ مندرج در آگهی خریداری گردد حق مزایده نسبت به مازاد مبلغ ارزیابی برعهده برنده مزایده است. مشخصات خودرو طبق نظریه کارشناس: خودروی سواری پژو پارس- به رنگ خاکستری متالیک به شماره انتظامی ایران (ایران ۲۶-۸۸۶ل۳۷) مدل ۱۳۸۶ به شماره شاسی ۵۰۵۰۲۴۹۱ و شماره موتور ۱۴۳۷۰۶۱۴۸۶۱۲۴ می باشد و خودرو از نظر وضعیت ظاهری و بدنه از قسمت گلگیر سمت راست عقب، گلگیر سمت چپ جلو، رکاب سمت راست و گلگیر سمت چپ عقب خسارت دارد و آیینیه سمت چپ جلو شکسته، درب موتور، درب صندوق عقب و سقف، در اثر آفتاب زدگی نیاز به مرمت دارد و لاستیک های جلو حدود ۷۲ درصد و لاستیک های عقب حدوداً ۴۸ درصد عاج دارد و بیمه آن نیز مشخص نیست و وضعیت تودوزی نیز ضعیف و از نظر موتوری نیز در حد متوسط می باشد. ضمناً محل استقرار ماشین جهت بازدید: آشخانه پارکینگ فرخی واقع گردیده است. **تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷**

بشیرخانی- رئیس ثبت اسناد و املاک مانه و سملقان

صنایع سنگ پارسیان

با انواع سنگ های تراورتن، گرانیت ،پله

نمای ساختمانی، آنتیک، نرده سنگی و ...

با قیمت بسیار مناسب و بالاترین کیفیت آماده خدمت رسانی به همشهریان و سازندگان عزیز و ادارات می باشد

Industries stone PARSIAN

خرید ۴میلیون به بالا اهدای

کارت رایگان شهر بازی

شرایط فروش به صورت اقساط ۳ ماهه



آدرس: بجنورد، کمربندی مدرس، حاشیه پل ۱۹ مهر به سمت چهارراه دانش آموز



sepanta2570



تلفن موبایل: ۰۹۱۲۰۲۱۲۵۷۰



ston_sepanta



stone_parsian